

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی
۱۲ اکتوبر ۲۰۱۶

چپه گرمک سوریه

۳

در قسمت های قبلی این مختصر، به ارتباط مخالفان و موافقان بین المللی و منطقه ای رژیم "اسد" روشنی انداخته شد، در این قسمت خواهم کوشید تا با اشاره گذرا به نیروهای درگیر نبرد نظامی در سوریه، نقطه های عطف در روند تغییرات اوضاع در آن کشور را مورد مذاقه قرار دهم.

از طریق رسانه ها همه شنیده ایم که به دنبال حرکات مردمی در تونس و بعد ها مصر، که به زود ترین فرصت به ملعبه دست "سیا" و سایر نهاد های استخباراتی مبدل شده و بر آن "بهار عرب" نام گذاشتند، در سوریه نیز عده ای از مردم آن کشور که از حکومت میراثی خاندان "اسد" به جان آمده بودند، دست به تظاهرات و اعتراضات مسالمت آمیزی زده، خواستار برآورده شدن اهداف و خواسته های دموکراتیک شان گردیدند.

برخورد شدید و نا سنجیده رژیم "اسد" نسبت به تحرکات دموکراتیک موجب گردید، تا امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیزم جنایتگستر امریکا فرصت را غنیمت شمرده، برنامه هائی را که جهت به زیر کشیدن آن رژیم و از بین بردن وحدت و یک پارچگی سوریه از سالها بدین سو روی آن کار نموده بودند، عملی نمایند. بدین ترتیب از ورای تعدادی مظاهره چی مسالمت جو، در زمانی خیلی کوتاه گروپهای متعدد نظامی عرض اندام نموده، در اسرع وقت با یافتن متحدان و حامیان قدرت مند در عرصه منطقه و جهان، خواستار سقوط قهری رژیم "اسد" گردیدند.

این نیروهای که در آغاز زیر نام "ارتش آزاد سوریه" اعلام موجودیت نموده، حمایت بین المللی و منطقه ای را به دست آورد، از آن جایی که از یک جانب کارائی لازم را جهت پیشبرد اهداف امپریالیستی نداشت و از جانب دیگر امپریالیزم جهانی به مثابه قاتل اجاره ای صهیونیسم نمی توانست بر آنها صد درصد اعتماد داشته باشد، به مرور زمان با حفظ نام، توسط نیروهای القاعده و سایر مزدوران جهادی که به وسیله نهاد های استخباراتی غرب از اقاصا نقاط جهان در آنجا فرستاده شده بودند، هویت جدیدی یافتند. بدین سان می توان نوشت: القاعده مجدداً سازمان یافته یک قسمت از مخالفان مسلح رژیم "اسد" را می سازد.

قسمت دوم نیروهای مسلح مخالف رژیم "اسد" افراد مربوط به "داعش" است که خوانندگان پورتال راجع به چگونگی به وجود آوردن آن به وسیله امپریالیزم جنایتگستر امریکا بیشتر از ده ها مقاله را از نظر گذرانده اند.

سومین نیروی مسلح مخالف رژیم "اسد" تعدادی از ترکمن هائیس که در نوارمرزی با ترکیه زندگانی نموده، بیشتر متکی به دولت ترکیه بوده و هستند.

در بطن چنین اوضاع و احوالی، رژیم "اسد" وقتی متوجه شد که تدارکات دشمن در قسمت گسترش جبهات جنگی برای ارتش آن کشور بیشتر از آنچه آنها بتوانند کنترل نمایند می باشد، به یک حرکت به اصطلاح نظامی "فرار به جلو" تمام نیروهایش را از مناطق کردستان سوریه که می توانست در چنان اوضاعی باعث گستردگی هر چه بیشتر میدانهای نبرد گردد، بیرون کشیده به نحوی خود گردانی کردها را در مناطق زیست شان تحت شرایطی عملی نمود که هم تمام تجهیزات دفاعی بخشهای از ارتش سوریه را در دسترس شان قرار داد و هم به مثابه حفظ رابطه با آن مناطق، تمویل مصارف آنها را نیز به عهده گرفت. به عبارت دیگر با به رسمیت شناختن حق خودگردانی برای کردهای سوریه، در عمل آنها را از صحنه جنگ علیه دولت کنار زده، یکی از اساسی ترین اهداف امپریالیزم جهانی را در جهت ایجاد یک کردستان به ضرر کشور های منطقه، زیر سؤال برد.

در مجموع می توان نوشت که در جریان سالهای ۲۰۱۵ و اوایل ۲۰۱۶ نیروهای نظامی مقابل رژیم "اسد" در ۴ گروه تمرکز یافته بودند: القاعده- با نام های مختلف-، داعش، ترکمن ها و کردها.

این چهارگروه در ضمن آن که به درجات معینی با رژیم "اسد" در تضاد بودند، بین خودشان نیز بر مبنای تعلقات شان به این و یا آن کشور خارجی در تضاد بوده، نمی توانستند یک دیگر را تحمل نمایند. بر همین مبنا همه شاهد بودیم که چگونه در سال ۲۰۱۵، "داعش" به نمایندگی از تاریکترین نیروهای ارتجاعی عرب و چماق امپریالیزم جهانی بر مناطق کرد نشین حمله آورده با قتل و خونریزی بی سابقه ئی "کوبانی" را در محاصره کشید.

به محاصره افتادن "کوبانی" یکی از نقاط عطف است که دراز مدت اولین چپه گرمک را در مناسبات نیروهای درگیر جنگ در سوریه به وجود آورد. و آنها بدین ترتیب:

- رژیم "اسد" یا نخواست و یا نتوانست به موقع به کمک مردم کرد و نجات آنها از حملات "داعش" بشتابد. در نتیجه روابط بین رژیم "اسد" و کردها اندکی به سردی گرائید.

- ترکها که هر نوع قدرت گیری کردها را در داخل و خارج از خاک ترکیه، به مثابه جرقه ای جهت انفجار مردم کرد مقیم در ترکیه می دانند، از محاصره کرد ها و سرکوب خونین آنها در کوبانی و سایر مناطق استقبال نموده، فشار و محاصره را بر نیروهای کرد مدافع کوبانی بیشتر و تنگتر نمودند.

- امپریالیزم جنایتگستر امریکا، که خود باعث پیدایش چنان وضعیتی در منطقه بود و است، برای مدتهای طولانی در عین حالی که با تمام قواء می کوشید تا مانع تحرکات کمکی رژیم "اسد" به کوبانی گردد، خود نیز زیر نام ارسال کمک به آنها، سلاح ومهمات به دشمنان شان پرتاب نموده، باعث تقویت "داعش" و ازدیاد فشار بر کرد ها گردید. تا جایی که از مطالعه جریانات بر می آید، ترکها تا این قسمت بدون آن که قادر شده باشند به نیت اصلی امپریالیزم جنایتگستر امریکا پی ببرند، سخت خوشحال بودند که گویا دست پروردگان شان یعنی "داعش"، انقره را به یک باره از شر کردها خلاص می نماید.

- امپریالیزم جنایتگستر امریکا که تمام آن اوضاع را به خاطر به دام انداختن کردها سازماندهی نموده بود، همزمان با ازدیاد فشار بر کرد ها از جانب "داعش" با آنها در تماس شده، آنها را به همان دامی انداخت که تقریباً تمام سازمانها و احزاب کوچک با ادعا های بزرگ به آن گرفتار می شوند. یعنی دام تأمین امکانات و دامن زدن به اصل سخت ضد انقلابی "امکانات گرائی". کرد ها که در موقعیت بس خطرناک قرار داشته و بود و نبود شان زیر سؤال رفته بود، به دام این سیاست افتاده، به مانند هر نیروی رفورمیست دیگری، فرصت طلبی پیشه نموده مقاولاتی را به صورت مستقیم

و غیر مستقیم از طریق "بارزانی" - سگ خانه زاد امپریالیزم و صهیونیسم- با امریکائی ها منعقد نموده، تمام دست آورد خلق کرد و خون صد ها رزمنده شجاع کرد اعم از زنان و مردان کردی را دو دسته تقدیم امپریالیزم و صهیونیسم نمود.

امپریالیزم جنایتگستر امریکا که گفتیم خود تمام این زمینه را به وجود آورده بود، از این تصمیم کردها در ظاهر با بمباردمان نیروهای "داعش" اما در واقع با دادن دستور عقب نشینی به آنها، ارسال سلاح های خفیف و ثقیل، ارسال مواد غذایی و طبی و "مشاوران امریکائی" - بخوانید اعضای "سیا"- به آن مناطق، نیت اصلی اش را نشان داده، از طریق رسانه های بین المللی نغمه ایجاد یک کشور کردی را در منطقه اعلام داشت.

- این تغییر که من در اینجا از آن به نام نخستین "چپه گرمک" یاد نموده ام، در عمل دو نتیجه در بین نیروهای متخاصم به وجود آورد:

نتیجه اول آن بود که کرد ها را از همسویی و حتا روابط مخفی با رژیم "اسد" کاملاً دور نموده، در عین حالی که اینجا و آنجا علیه رژیم "اسد" سخنرانی می نموده روزی از واشنگتن و روزی هم از پاریس رسانه ها را مخاطب قرار می دادند، به سیاست تصفیه قومی از اعراب، ترکها و هر آن کسی که کرد نبوده و نیست، نیز دست یازیده در عمل نشان دادند که سرعت سیر انحراف آنها از مسیر اولی سریعتر از آن است که بتواند دوستان آنها، آن را درک نمایند.

دومین نتیجه، باز شدن چشم رژیم حاکم بر ترکیه یعنی منادیان و داعیان "اسلام سیاسی" در آن کشور بود. "اردوخان" و باندش به خصوص "داوود اغلو" صدراعظم آن کشور که گویا ایدئولوگ رژیم "اردوخانی" در ترکیه بود، که فکر می کردند امپریالیزم جنایتگستر امریکا از موضع یک شریک در پیمان تجاوز گر ناتو، می خواهد امیال و اهداف آنها را متحقق بسازد، بعد از تعاملات "کوبانی" با لغزیدن کردها به طرف زور یعنی امریکا و بلند شدن صدای ایجاد کردستان واحد، متوجه عدم صداقت امپریالیزم امریکا در مسأله شده، با آن که بر حسب وسوسه های امپریالیزم با روسها تا آستانه یک جنگ نابود کننده پیش رفته بود، با کنار گذاشتن "داوود اوغلو" که حاضر نبود دست از همکاری با غرب بردارد، سیاست مستقلی برای کشورش در قبال کرد ها اتخاذ و تعقیب نموده، ضمن پوزش خواهی از روسها، حملات شان را به مناطق کردستان سوریه آغاز و شدت بخشیدند.

بدین سان چپه گرمک اول در اوضاع سوریه به وجود آمده، کردها از متحد رژیم "اسد" به مخالف آنها استحاله یافتند. امری که اگر همچنان ادامه می یافت می توانست به مثابه یک پیروزی سیاسی برای واشنگتن و اسرائیل به شمار رود.

ادامه دارد